



Sebghatullah Irfan
English Academy



Part (3)

آموزشگاه زبان انگلیسی
Ketabton.com
صبغت الله عرفان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

In the name of Allah

مقدمه

سلام و درود خدمت شما هموطنان گرامی. امیدوارم که در صحت کامل باشید و لباس عافیت بر تن داشته باشید. من صبغت الله عرفان در خدمت شما هستم و این بار با بخش سوم مجموعه درسی آموزش زبان انگلیسی. یاد گیری زبان انگلیسی یک فرصت بزرگ است اما نیازمند تلاش پشتکار و مدیریت زمان است. اگر میخواهید به اهداف خود برسید هرگز از کار کردن و تلاش کردن دست نکشید. به یاد داشته باشید که تا به هدف نرسیده اید نباید تسلیم شوید.

هدف من از تهیه این مجموعه، خدمت به هموطنان عزیزم است. شعار من خدمت به مردم است، زیرا ایمان دارم که این خدمت نه تنها در دنیا بلکه در آخرت نیز اجر و ثواب دارد. این کتاب را با نیت خیر نوشته ام تا هرکس بتواند از آن بهره مند شود. اگر این مطالب به یادگیری زبان انگلیسی شما کمک کند، بزرگترین افتخار برای من است که حتی پس از مرگ ثواب این کار در قبر به من برسد.

بعضی از افراد جامعه در این فکر هستند که **«زبان انگلیسی یک زبان کفری هست و یادگیری این زبان گناه هست.»** متأسفانه که این نظریه تا حالا هم در بین افراد جامعه وجود دارد که کاملن این نظریه شان بی بنیاد، بی اساس و غلط است، حالا همین افراد این نکته را فکر نکرده است که اگر یکی از ما زبان انگلیسی یا هر زبان خارجی دیگر را یاد بگیرد همین کسی که زبان انگلیسی یا هر زبان دیگر را که یاد گرفته است، میتواند مردم خارج را به سوی دین مقدس اسلام به شیوه خوب دعوت کند.

اگر شما یک از زبان های خارجی را یاد بگیرید به خصوص زبان انگلیسی را، و به خارج سفر کنید و با مردم آنجا خوب رفتار کنید، مردم خارج از رفتار خوب شما موثر میشود یعنی تحت تاثیر شما قرار میگیرد و وقتیکه او شخص خارجی فهمید که دین شما دین مقدس اسلام است، شاید ایمان بیاورد و به دین اسلام روی بیاورد.

حالا بگوید آیا شما دوست ندارید که به سوی راه خداوند که راه نجات است، مردم خارج که کافر هستند را به سوی اسلام دعوت کنید؟ میفهمم که جواب تان "بله ما دوست داریم" است. ولی این کار به زور و جبر نمیشود با آرامی و رفتار نیک تان آنها را تحت تاثیر قرار بدهید از اخلاق نبوی استفاده کنید، ولی اگر به بد خویی و زور شما کسی را به سوی دین مقدس اسلام دعوت کنید، این کارتان باعث تنفر او از دین مقدس اسلام میشود. خلاصه این که در یادگیری زبان ها گناه نیست، بلکه ضرورت و کار خیر است.



زبان انگلیسی یکی از زبان های بین المللی است که تقریباً (52) کشور زبان رسمی شان زبان انگلیسی هست و به زبان انگلیسی گپ میزنند. حالا اگر شما زبان انگلیسی را یاد بگیرید بعداً شما میتوانید در تمام سطح جهان گپ بزنید.

زبان انگلیسی در بخش طب استفاده چشمگیری دارد که اگر شما زبان انگلیسی را یاد داشته باشید به خوبی میتوانید که درس ها داکتری را یاد بگیرید، دوا ها را تشخیص داده میتوانید و غیره... در دنیایی امروزی که عصر تکنالوژی هست زبان انگلیسی یکی از زبان های است که تمام این وسایل تکنالوژی و سایر وسایل به زبان انگلیسی هست.

کاری را که امروز میتوانید انجام بدهید به فردا رهاش نکنید چون فردا کارهای دیگری برای تان پیدا میشود که باید آنها را انجام بدهید.

یک نظریه بی اساس و بی بنیاد دیگر که در بین افراد جامعه وجود دارد به خصوص کسانی که تعلیم نکرده است، اینها به این نظریه هستند که ((**درس خواندن انسان را دیوانه میکند.**)) متأسفانه که این نظریه حالا هم وجود دارد، در وقت درس خواندن انسان خسته میشود ولی باید استراحت کند، شما باید یک تقسیم اوقات برای خودتان جور بکنید که در آن ورزش کردن شامل باشد، **تفریح کردن شامل باشد، خواب کردن 8/7 ساعت (وقت شب تا صبح، وقت بخوابید و وقت بیدار شوید.)** باید در آن شامل باشد اگر این قسم تقسیم اوقات داشته باشید ذهن شما از فشار زیاد در امان میماند و شما هم میتوانید به خوبی درس هایتان را یاد بگیرید، اگر یک انسان زیاد درس بخواند هر ساعت بدون وقفه، معلوم است که سر ذهنش فشار میاید و انسان دچار مشکل فشار ذهنی میشود. اگر کمی سختی را تجربه نکنید، آسانی را به این زودی ها نمیبینید. پس کمی همت و اراده قوی داشته باشید تا به موفقیت برسید. زود کم حوصله نشوید و با شوق و علاقه کامل به درس هایتان ادامه بدهید.

این چپتر ها را که من نوشته ام کسانی که یاد گرفته است باید به دیگران هم یاد بدهد، شما در خانه باید همراه برادران و خواهران تان نیز کمک کنید تا این زبان مهم را یاد بگیرد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده: در بین شما بهترین انسان کسی هست که یک چیز را یاد بگیرد و به دیگران هم یاد بدهد.

احترام به دیگران را هیچ وقت فراموش نکنید، هیچ وقت غرور نکنید چون ما انسان های ضعیف لایق غرور نیستیم، غرور فقط به ذات قدرتمند الله (ج) می زبید.

نویسنده: صبغت الله عرفان

با احترام



در این بخش سوم درسی من می‌خواهم که بعضی از نکات گرامری را مورد بحث قرار بدهم که قرار ذیل تشریح شده است، با یاد گرفتن این نکات گرامری شما از انجام دادن اشتباهات محفوظ می‌باشید البته اگر خوب با دقت درس‌های تان را بخوانید، خوب به امید موفقیت تان.

Grammar

Grammar is taken from Latin word "Grammat" which means written a letter.

گرامر از کلمه لاتینی "گرامات" گرفته شده که به معنای نوشتن یک حرف است.

Definition: Grammar is the set of rules by which we can pronounce, read, write and learn correctly a language.

تعریف: گرامر مجموعه‌ای از قوانین است، که با واسطه‌اش ما می‌توانیم تلفظ، خواندن، نوشتن و یاد گرفتن دقیق و درست یک زبان را یاد بگیریم.

Parts of speech

A word in our speech or a word in English speech is called **parts of speech**.

یک لغت در سخن ما و یا یک لغت در سخن انگلیسی به نام **اجزای کلام** یاد میشود.

Speech: To talk between two persons is called **speech**.

سخن: حرف زدن بین دو نفر را **سخن** می‌گویند.

Parts of speech are eight (8) in numbers/اجزای کلام به هشت نوع است/

1. Noun / اسم
2. Pronoun / ضمیر
3. Adjective / صفت



4. Verb / فعل
5. Adverb / قید
6. Preposition / حرف اضافه
7. Conjunction / حرف ربط
8. Interjection / حرف ندا یا حرف تعجب اور

→ ● **1. Noun/ اسم:** Noun is a word that shows to us how to names place, person, thing, animal, quality, quantity, idea and action.

● ← **اسم:** اسم کلمه است که برای ما نشان میدهد که چطور موقعیت، شخص، چیز، حیوان، کیفیت، کمیت، نظریه و عمل را نام ببریم.

English/ انگلیسی	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
<u>Afghanistan</u> is a very good country.(Place)	افغانستان از اویری گوډ کنټري.	افغانستان یک کشور بسیار خوب است. (موقعیت)
Good <u>boys</u> always are polite.(Person)	گوډ بایز آلویز آر پولایت.	بچه های خوب همیشه با ادب هستند. (شخص)
I have a blue <u>car</u> .(Thing)	آی هاف ا بلو کار.	من یک موتر آبی دارم. (شیء)
Most of people likes <u>dog</u> in animals.	موسټ اف پیوپل لایکز ډاگ ان انیملز.	زیادتر از مردم در حیوانات سگ را خوش دارند. (حیوان)
The Rose flower is very <u>beautiful</u> .(Quality)	ده روز فلاور از اویری بیوتی فول.	گل روز بسیار مقبول است. (کیفیت)
One <u>kilo</u> of sugar costs Seventy70 _{AF} .(Quantity)	ون کیلو اف شگر کاستیز سیونټی 70 افغانی.	یک کیلو بوره 70 افغانی قیمت دارد. (مقدار)

خوب دوستای عزیز امید که یاد گرفته باشید و مطمئنم که شما یاد گرفته اید، این درس ها بسیار آسان است یاد گرفتنش فقط لطفن هموطنان گلم تلاش بیشتری برای یاد گیری این زبان بکنید تا به اوج موفقیت برسید و این نکته را خوب به یاد داشته باشید که به دست آوردن هر



چیزی ناممکن نیست اگر چه سخت باشد ولی نا ممکن نیست کمی سعی و تلاش در کار هست.

انسان های موفق همیشه تلاش خود را برای رسیدن به هدف خود میکنند.

- Noun is divided into three parts:

● اسم به سه (3) بخش تقسیم شده است:

A: Kinds: We have 6 kinds of noun:

الف: انواع: ما شش (6) انواع از اسم داریم که عبارتند از:

1: Common noun: is used for general people, place or thing.

1: اسم عام: اسم عام بخاطر مردم، موقعیت و یا شیء عمومی استفاده میشود.

Ex: Place: School; because schools are general places and everyone can go.

Ex: Place: City; because cities are general places and everyone can go.

مثال: موقعیت: مکتب بخاطریکه مکتب ها جا های عمومی هستند و هرکسی میتواند برود.

مثال: موقعیت: شهر: بخاطریکه شهرها جا های عمومی هستند و هرکسی میتواند بروند .

Ex: People: Student; because it is a general name and everyone can use.

مثال: مردم: شاگرد: بخاطریکه شاگرد یک نام و یا اسم عمومی است و هرکسی میتواند استفاده کند.

Ex: Thing: Pen; because it is a general thing and everyone can use it.

مثال: شیء: قلم: بخاطریکه قلم یک شیء و یا چیز عمومی است و هرکسی میتواند ازش استفاده کند.

2: Proper noun: is used for specific person, place or thing and anyone can't use it .



2: اسم خاص/مخصوص: بخاطر شخص، موقعیت و یا شیء مخصوص استفاده میشود و هر کسی استفاده نمیتواند.

امیدوارم که تمام تمرکز تان در وقت درس خواندن در چپتر باشد نه جای دیگر.

مثال: شخص: محمد (صلی الله علیه وسلم).
Ex: Person; Muhammad (PBUH).

مثال: موقعیت یا جای: پکتیا/ کابل.
Ex: Place; Paktia/ Kabul.

Ex: Thing; Eiffel tower (large metal tower in Paris (France) built in 1889) etc.

مثال: شیء: برج ایفل (یک برج بزرگ فلزی در پاریس (فرانسه) که در سال 1889م ساخته شده) و غیره.

3: Abstract noun: is used for non tangible things.

3: اسم انتزاعی: بخاطر اشیاء ای که قابل لمس کردن نیست استفاده میشود.

Ex: Mind- Sadness- Happiness- Thought- Independence- Anger.

مثال: ذهن- غمگینی- خوشحالی- فکر، اندیشه و یا تفکر- استقلال- عصبانیت.

این اسم های که در بالا ذکر گردید، از این خاطر اسم انتزاعی یا (Abstract noun) گفته میشود بخاطریکه قابل لمس نیستند. حالا آیا شما میتوانید که غمگینی را لمس کنید و یا فکر را میتوانید که لمس کنید؟ البته که نه. امیدوارم که حالا مفهوم را کاملن درک کرده باشید انشاءالله.

4: Concrete noun:

➡ • **2. Pronoun / ضمیر:** Pronoun is a word which is used instead of noun to avoid its repetition.

• ← **ضمیر:** ضمیر یک کلمه است که به جای نام یا اسم استعمال میشود و از تکرار آن (اسم و یا نام) جلوگیری میکند.



English/ انگلیسی	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
Abdullah is a student and He is very intelligent.	عبدالله از استودینت اند هی از او ویری اینتلیجینت.	عبدالله یک شاگرد است و او بسیار لایق است.
Mr.Lotfullah is my uncle and He is very kind.	مستیر لطف الله از مای انکل اند هی از ویری کایند.	آقا لطف الله کاکای من است و او بسیار مهربان است.

← انواع ضمائر یا ضمیر ها / Kinds of pronouns

1. Personal pronouns. 1. ضمائر شخصی.
2. Demonstrative pronouns. 2. ضمائر اشاری.
3. Possessive pronouns. 3. ضمائر
ملکی.
4. Distributive pronouns. 4. ضمائر توزیعی.
5. Interrogative pronouns. 5. ضمائر پرسشی.
6. Indefinite pronouns. 6. ضمائر نا معین.
7. Emphasizing pronouns. 7. ضمائر تاکیدی.
8. Reflexive pronouns. 8. ضمائر انعکاسی.
9. Relative pronouns. 9. ضمائر موصولی.
10. Reciprocal pronouns. 10. ضمائر متقابل.
11. Exclamatory pronouns. 11. ضمائر تعجبی.

1. Personal pronouns:

Personal pronouns are used instead of people and things to avoid its repetition in the sentences.



Personal pronouns are divided into two (2) parts:

1. Subject pronouns.
2. Object pronouns.

1. ضمایر شخصی: عبارت از ضمایر است که به جای مردم و اشیاء بخاطر جلوگیری از تکرار در جمله ها استفاده میشود.

ضمایر شخصی به (2) نوع تقسیم شده اند:

1. ضمایر فاعلی.

2. ضمایر مفعولی.

1. Subject pronouns:

Subject pronouns are those which are used instead of subject in the sentences.

1. ضمایر فاعلی: عبارت از ضمایر است که به جای فاعل در جمله ها استفاده میشود.

English	تلفظ	ترجمه
Subject pronouns	سبجیکت پروناونز	ضمایر فاعلی
I	آی	من
You	یو	تو/شما
We	وی	ما
They	دی	آنها
He	هی	او (مذکر)
She	شی	او (مونث)
It	ایت	این (شی و اشیای بی جان)

Ex: I read newspapers.

مثال: من اخبار میخوانم.

Ex: We go to school every day.

مثال: ما به کورس هر روز میرویم.

- Usages of (It)/(این) های کاربرد:

1. It: Is used for things.



1. این: بخاطر اشیاء استفاده میشود.

مثال: این یک کتاب است. **Ex:** It is a book.

2. It: is used for small animals that we don't know their gender.

2. این: بخاطر حیوانات کوچک که ما درباره جنسیت اینها چیزی نمی دانیم استفاده میشود.

مثال: این یک سگ است. **Ex:** It is a dog.

3. It: is used for persons in the photo.

3. این: بخاطر اشخاص در عکس استفاده میشود.

Ex: Who is this in this picture? "It is Aminullah".

مثال: این کی هست در این تصویر؟ " این امین الله است".

Subject/فاعل

فاعل انجام دهنده یک عمل است. Subject is the doer of an action.

مثال: من انگلیسی یاد میگیرم. **Ex: I learn English.**

در جمله فوق (I) فاعل است بنابراین انجام دهنده یک عمل است. کی انگلیسی یاد میگیرد؟ (I) یعنی من. پس من انجام دهنده عمل استم.

- Subject is a person or a thing which is used at the beginning of the sentences.

• فاعل یک شخص و یا یک چیز است کدام که در شروع یا سر یک جمله استفاده میشود.

مثال: موتر بسیار با سرعت است. **Ex:** The car is very fast.

- Subject is a person or a thing that we talk about them.



• فاعل یک شخص و یا یک چیز است که ما درباره آنها گپ میزنیم.

Ex: She is an intelligent student.

مثال: او یک شاگرد لایق است.

انگلیسی / English	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
I want to become a doctor.	آی وانٹ تو بیکم ا داکٹر.	من میخوام که در آینده یک داکتر شوم.
You want to become a lawyer.	یو وانٹو بیکم الویر.	تو میخواهی که در آینده یک وکیل شوی.
We are afghan and we should try a lot to get improve in the future.	وی آر افغان اند وی شود ترآی ا لایٹ تو گیت اِمپروف ان ده فیوچر.	ما افغان هستیم و ما باید کوشش کنیم که در آینده پیشرفت کنیم.
Our country people are so brave and also they are kind.	آور کنٹری پیپل آر سو بریف اند آلسو دی آر کاینڈ.	مردم کشور ما بسیار شجاع هستن و همچنان آنها مهربان هستند.
Ahmad is my friend and he is a very good person.	احمد از مآی فریند اند هی از ا ویری گود پرسن.	احمد دوست من هست و او بسیار یک شخص خوب است.
Lila is a good girl she helps her mother in home works.	لیلا از ا گووڈ گیرل، شی هیپلز هر مادر ان هوم ورکز.	لیلا یک دختر خوب است، او به مادر خود در کار های خانه کمک میکند.
Computer is a good device and it helps me to solve my problems.	کمپیوتر از ا گووڈ دیوایس اند ایت هیپلز می تو سولف مآی پرابلمز.	کمپیوتر یک وسیله خوب است و این وسیله مرا در حل کردن مشکلاتم کمک میکند.

خوب دوستا امید که این ضمائر را به گونه خوب یاد بگیرید تا که در آینده از اشتباهات گرامری در امان باشید، من فقط بر یک کلمه زیاد تاکید میکنم که او عبارت است از "کوشش کردن" کوشش زیاد بکنید و خود را به هدف تان برسانید امید افغانستان شما هستید.



مفعول Object

Object pronouns are used instead of object in the sentences. Object is the receiver of an action.

ضمایر مفعولی که هست به جای مفعول در یک جمله استفاده میشود. مفعول گیرنده یک عمل است.

Object pronouns		
Me	می	من را / به من
You	تو	تو را / به تو
Us	از	ما را / به ما
Them	دیم	آنها را / به آنها
Him	هیم	او (مذکر) را / به او
Her	هیر	او (مونث) را / به او
It	ایت	این را / به این

English/ انگلیسی	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
Please give me your telephone number.	پلیز کیف می یور تیلیفون نمبر.	لطفن نمبر تیلیفون تان را به من بدهید.
Did they accept me?	دید دی اکسیپت می.	آیا آنها مرا قبول کردند.
Do you agree with me?	دو یو اگری وید می.	آیا با من موافق هستی.
I saw you in city yesterday.	آی سا یو ان سیتی یستیردی.	من تو را دیروز در بازار دیدم.
Can I help him?	کن آی هیلپ هیم.	آیا من میتوانم که او را کمک کنم؟
We should arrest her.	وی شود اریست هیر.	ما باید او (مونث) را دستگیر کنیم.
Leave us alone.	لیف از الون.	ما را تنها بگذار.
Tell them I don't want to com.	تیل دیم آی دونت وانت تو کم.	به اینها بگو که من نمیخواهم بیایم.



→ Demonstrative pronouns:

Demonstrative pronouns are those pronouns which are used instead of noun and point out some person, place and thing.

ضمایر اشاری: ضمایر اشاری ضمایر هستند کدام که به جای اسم استفاده میشود و به طرف مردم، موقعیت و شیء اشاره میکنند.

- We have four kinds of demonstrative pronouns:

A: 1; this (این) is used for singular near persons, places and things.

1: این: بخاطر اشخاص، موقعیت ها و اشیاء نزدیک مفرد کدام که نزدیک ما هستند استفاده میشود.

Ex: This is my father. مثال: این پدر من هست.

Ex: This is a book. مثال: این یک کتاب است.

2: These (اینها) is used for plural near persons, places and things.

2: اینها: بخاطر اشخاص، موقعیت ها و اشیاء ای نزدیک جمع کدام که نزدیک ما هستند استفاده میشود.

Ex: These are my school books. مثال: اینها کتاب های مکتب من هستند.

Ex: These are my family. مثال: اینها فامیل من هستند.

B: 3; that (آن) is used for singular far persons, places and things.

3: آن: بخاطر اشخاص، موقعیت ها و اشیاء ای دور مفرد کدام که از ما دور هستند استفاده میشود.

Ex: That is my uncle. مثال: اون کاکای من هست.

Ex: That is our house. مثال: اون خانه ما هست.

4: Those (آنها): is used for plural far persons, places and things.



4: آن ها: بخاطر اشخاص، موقعیت ها و اشیاء ای دور جمع کدام که از ما دور هستند استفاده میشود.

مثال: آنها کتاب های پوهنتون من هستند. Ex: Those are my university books.

مثال: آنها شاگردان مکتب هستند. Ex: Those are school students.

این هم پایان ضمایر اشاری امید که خوب و دقیق یاد گرفته باشید. خوب با دقت بخوانیدش طوری که همه تمرکز تان به درس تان باشد باز انشاءالله که یاد میگیرید.

→ Possessive pronouns:

Possessive pronouns are those pronouns which are used instead of noun and show possession.

ضمایر مُلکی: ضمایر ملکی عبارت از ضمایر هستند کدام که به جای نام استفاده میشود و ملکیت را نشان میدهد.

انگلیسی/English	تلفظ	ترجمه
Mine	ماین	از من
Yours	یورز	از تو/ از شما
Ours	اورز	از ما
Thiers	دیرز	از آنها
His	هیز	از او (مذکر)
Hers	هیرز	از او (مونث)
Its	ایتز	از این

دوستان عزیز امید که یاد گرفته باشید، حتمن یاد میگیرد فقط کمی کوشش کنید لطفن.

مثال: موتر سیاه از من هست. Ex: The black car is mine.

مثال: این موبایل از او زن هست. Ex: This mobile is hers.

خوب دوست های عزیز این بود بحث ضمایر ما اگر چه ضمایر زیاد است ولی در اینجا برای شما این 3 نوع ضمایر کافیهست، این ضمایر که در موردش صحبت شد خیلی مهم هستن و باید شما اینها را یک امر ضروری دانسته و باید یادش بگیرید.

درس های تان را هر روز تکرار کنید تا که از تان فراموش نشود.

- • **3. Adjective / صفت:** Adjective is a word that describes the quality, quantity, size, shape, color, age, temperature and the origin of noun or pronoun. Or Adjective gives information about noun or pronoun to us. Or adjective tell us something about a person or a thing.

← • **صفت:** صفت کلمه است که کیفیت، کمیت، اندازه، شکل، رنگ، عمر، درجه حرارت و منبع اسم و یا ضمیر را تشریح میکند. یا صفت به ما درباره اسم و یا ضمیر معلومات میدهد. و یا صفت درباره یک شخص و یا یک چیز چیزی میگوید.

English/ انگلیسی	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
The quality: Beautiful, Ugly, Smart, Crazy, Good, Bad etc. Smart people are always silent.	ده کولیتی: بیوتی فول، اگلی، سمارت، کریزی، گود، بد ای تی سی. سمارت پیپل آر آلویز سایلینت.	کیفیت: مقبول، بدقواره (بتلت)، باهوش، دیوانه، خوب، بد و غیره. مردم باهوش همیشه خاموش میباشد.
The quantity: Much, Many, Lot, Enough etc. He has lot of money.	ده کوانتیتی: مچ، منی، لات، ایناف ای تی سی. هی هز لات اف منی.	کمیت: بسیار (غیر قابل شمارش)، بسیار (قابل شمارش)، زیاد، کافی. او بسیار پول دارد.
The size: Huge, Small, Medium, Big etc. She has a big house.	ده سایز: هیوج، سمال، میدیم، بیگ ای تی سی. شی هز ا بیگ هاوز.	اندازه: بسیار بزرگ، کوچک، متوسط، بزرگ. او یک خانه بزرگ دارد.
The shape: Circle, Round, Triangular etc. We have a triangular room.	ده شیپ: سیرکل، راوند، تریانگلر ای تی سی. وی هاف ا تریانگلر روم.	شکل: دایره، گرد، مثلثی و غیره. ما یک اتاق مثلثی داریم.
The color: Red, Blue, White, Black, Green. I have a blue watch.	ده کالر: ریڈ، بلو، وایت، بِلک، گرین. آی هاف ا بلو واچ.	رنگ: سرخ، آبی، سفید، سیاه، سبز. من یک ساعت آبی دارم.

The age: Young, Old, teenager etc. Young persons are full of energy.	ده ایچ: یونگ، اولد، تینیجر. یونگ پیرسینز آر فول اف اینیرجی.	عمر: جوان، پیر، نوجوان. افراد جوان پر از انرژی هستند.
The temperature: Cool, Cold, Warm, Hot etc. In spring the weather is warm .	ده تیمپرچر: گول، کولد، وارم، هانت ای تی سی. ان سپرینگ ده ویدر از وارم.	درجه حرارت: یخ، سرد، معتدل، گرم و غیره. در بهار آب و هوا معتدل میباشد.
The origin: German, American, Canadian etc. I like German cars.	ده اورین: جرمن، امریکن، کناڈین ای تی سی. آی لایک جرمن کارز.	منبع: جرمنی، امریکایی، کناڈایی و غیره. من موتر های جرمنی را خوش دارم.
Person: Abdullah is a careful boy.	پرسن: عبدالله از ا کر فول بآی.	شخص: عبدالله یک بچه محتاط است.
Thing: This is a nice car.	تینگ: دیس از ا نایس کار.	چیز: این یک موتر زیبا است.

→ ● 4. Verb / فعل: verb is taken from Latin word (Verbum) and used to show the state, action and condition.

● ← فعل: فعل از کلمه لاتینی (ویربیوم) گرفته شده و برای معلوم کردن موجودیت، عمل و حالت استفاده میشود.

خوب دوستای عزیزم بیاید با یک چند مثال مفهوم فعل را کاملن درک کنیم و فعل را بطور درستش یاد بگیریم، دوستا هیچ وقت تنبلی نکنید چون تنبلی شما را بسوی ناکامی سوق میدهد.

انگلیسی / English	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
I am in the college now.(State)	آی ام ان ده کالیدج ناو. (ستیت)	من حالا در دانشگاه هستم.(موجودیت)
The students eats more because they study more.(Action)	ده ستودینت ایتز مور بیکاز دی ستادی مور.	دانش آموزان زیاد خوراک میکنند بخاطر که اینها زیاد درس میخوانند.(عمل)



The health of patient was very bad but now he is fine.(Condition)	ده هیلت اف پشینت واز ویری بد بَت ناو هی از فاین.(کاندیشن)	صحت مریض خیلی بد بود اما حالا خوب هست.(حالت)
---	---	--

یاد گرفتید؟ میدانم که همه گی شما یاد گرفتید "آفرین" کسایکه کوشش میکنند یک روز به موفقیت میرسند و در این هیچ شکی نیست، و کسایکه کوشش نمیکنند آنها روز به روز وضعیت روحی شان خراب میشود نگران همه چیز میباشند و همچنان زیاد تشویش میکنند که به مرور زمان دچار امراض میشوند، یک توصیه کوچک من برای کسایکه زیاد تشویش میکنند و روز خود را در فکر کردن سپری میکنند " اگر میخواهید که دارای صحت کامل باشید و اگر میخواهید که دچار مشکلات روانی نشوید از تشویش کردن دست بردارید، به جای اینکه وقت تان را در تشویش و فکر کردن سپری کنید، در کار کردن و درس خواندن سپری کنید، چون اگر شما زیاد تشویش کنید این کار تان باعث خراب شدن صحت روحی تان میشود.

- ● 5. Adverb / قید: Adverb is a word which is used to add something to the meaning of a verb, adjective or another adverb or adverbs tell us in what way someone does something.

← ● قید: کلمه است که معنی فعل، صفت و یا دیگر قید را کامل میسازد و یا قید به ما میگوید که چگونه یک کس یک کاری را انجام میدهد.

English/ انگلیسی	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
He drives carefully.	هی درایوز کرفولی.	او با احتیاط رانندگی میکند.
The smart people are always trying hardly.	ده سمارت پپیل آر آلویز ترآینگ هاردلی.	آدم های هوشیار همیشه به سختی کوشش میکنند.
If you try hardly you can get success easily.	ایف یو ترآی هاردلی یو کن گیت سک سیز ایزلی.	اگر تو به سختی کوشش کنی تو میتوانی به آسانی موفقیت را کسب کنی.

- ● 6. Preposition / حروف اظافه: Preposition is a word that shows the relationship of noun or pronoun with rest of sentence.

← ● حروف اظافه: حروف اظافه یک کلمه است که ارتباط اسم یا ضمیر را در یک جمله نشان میدهد.

*Note: There are approximately 80 to 100 prepositions in the English language.

*نوت: در زبان انگلیسی تقریباً از 80 تا 100 حروف اضافه وجود دارد.

انگلیسی / English	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
The mobile is on the table.	ده مَبایلِ اِز ان ده تیبیل.	مبایل سر میز است.
I am in the university, but Ahmad is at school.	آی ایم اِن ده یونیورسیتی، بَت احمد اِز اَت سَکول.	من در پوهنتون هستم، اما احمد در مکتب هست.
The manager is at the office.	ده مَنیجر اِز اَت ده افیس.	مدیر در دفتر هست.

→ ● 7. Conjunction / حرف ربط: Conjunction is a word that used to combine two sentences.

← ● حرف ربط: حرف ربط کلمه است که بخاطر یکجا کردن دو جمله استفاده میشود.

انگلیسی / English	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
Abdullah plays football but Rafatullah plays cricket.	عبدالله پلیز فوتبال بَت رفعت الله پلیز کریکت.	عبدالله فوتبال بازی میکند اما رفعت الله کریکت بازی میکند.
He is the boy who likes writing poem.	هی اِز ده بای هو لایکز رآیتینگ پویم.	او بچه است کسی که نوشتن شعر را دوست دارد.
Manage your time and don't give up.	مَنیج یور تایم اند دُونت گیف اپ.	وقت خود تان را مدیریت کنید و تسلیم نشوید.

خوب دوستا یاد گرفتید؟ میفهمم که یاد گرفتید "آفرین" به شما های که درس های خود را هر وقت تکرار میکنید، انشاءالله که یک روز کسایکه کوشش میکنند به موفقیت میرسند.

→ ● 8. Interjection / حرف ندا: Interjection is a word which is used to express some sudden feeling or emotions.

← ● حرف ندا: حرف ندا یا ندایه یک کلمه است که بخاطر بیان کردن حادثات نگاهانی یا برای بیان کردن احساسات استعمال میشود.

انگلیسی / English	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
Oh! I am very ill.	اوه! آی ایم ویری ایل.	اه! من خیلی مریض هستم.
Wow! What a delicious food.	واو! وت ا دلشیز فود.	وای! چی یک غذای خوش مزه.
Ha! Ha! Ha! He is very funny.	ها! ها! ها! هی از ویری فنی.	هههه! او بسیار مزاقی هست.

تبریک میگویم! شما بحث اجزای کلام را به طور موفقانه به تمام رساندید، یک نکته مهم را به یاد داشته باشید کوشش کنید که درس هایتان را هر روز تکرار کنید، کاری را که امروز میتوانید انجام دهید به فردا رهاش نکنید، چون فردا کارهای زیادی برای انجام دادن دارید. خوب بیاید که به بخش بعدی درس برویم، آماده هستید؟ آفرین.



Tense: is taken from a lateen word (Tempus) which means time.

Tense: از کلمه لاتینی (تیمپوس) گرفته شده که به معنای زمان یا وخت است.

Tense: it is a grammatical word which describes what we did in the past, what we do in the present and what we will do in the future or tense is the form of the verb which shows when an action happened.

زمان: زمان یک لغت گرامری هست که برای ما تشریح میکند که ما در گذشته چی کرده ایم، ما در حال حاضر چی میکنیم و ما در آینده چی خواهیم کرد و یا زمان شکل از فعل است کدام که نشان میدهد چی وقت یک فعل رخ میدهد.

از یاد تان نرود که همیشه درس های تان را به وقت خودش بخوانید و هیچ وقت تنبلی نکنید تا که زبان انگلیسی را به خوبی یاد بگیرید.

The tenses are divided into two parts:

1. Active tenses.
2. Passive tenses.



زمان ها به دو بخش تقسیم شده اند:

1. زمان های معلوم.

2. زمان های مجهول.

1. Active tense:

It Is a tense in which the doer of the action is the subject of the sentence.

1. زمان معلوم: عبارت از زمان است کدام که انجام دهنده عمل در جمله مفعول باشد.

انگلیسی / English	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
He eats the food.	هی ایتز د فود.	او غذا میخورد.
She learns English.	شی لیرنز انگلیش.	او انگلیسی یاد میگیرد.
I speak English.	آی اسپیک انگلیش.	من انگلیسی حرف میزنم.

این هم از مثال های زمان معلوم امید که یاد گرفته باشید. زمان معلوم از این خاطر گفته شده که مفعول در جمله انجام دهنده یک عمل است. خوب حالا خو مشکل تان حل شد انشاءالله؟

2. Passive tense:

A tense in which the receiver of an action is the subject of the sentence, is called passive tense.

2. زمان مجهول: عبارت از زمان است، کدام که گیرنده یک عمل در یک جمله مفعول باشد.

حالا فهمیدید دوستان عزیز امید که یاد گرفته باشید لطفن درس های تان را روزمره و با دقت بخوانید. انشاءالله که یک روز شما بخیر انگلیسی را یاد میگیرید فقط کمی کوشش لازم است دوستان عزیز با شوق و ذوق درس های تان را بخوانید تا هرچه زودتر انگلیسی را یاد بگیرید.

قابل یاد آوری است که یک شاگرد و یا دانشجو باید همیشه در حال یاد گرفتن باشد یعنی به گفته پیامبر بزرگوار ما حضرت محمد (ص) " ز گهواره تا گور دانش بجو" نه این که شما

با این چپتر اکتفا کنید و بس دیگه هیچ درس نخوانید این کار هیچ در پیشرفت شما کمک نمی کند.



English/ انگلیسی	تلفظ مثال انگلیسی	ترجمه مثال انگلیسی
He was ate the food.	هی واز ات د فود.	او غذا خورد.
She was learned English.	شی واز لیرند انگلیش.	او انگلیسی را یاد گرفت.
I was spoken English.	آی واز سپوکن انگلیش.	من انگلیسی حرف زدم.

و این هم مثال های زمان مجهول امید که یاد گرفته باشید. آفرین به شما های که درس های تان را همیشه یاد میگیرد و تعقیب میکنید.

There are sixteen (16) active tenses in English language which are made from four basic or fundamental tenses.

1. Simple present tense.
2. Simple past tense.
3. Simple future tense.
4. Simple future in the past tense.

در زبان انگلیسی شانزده زمان های معلوم است که این زمان ها از چهار زمان های اساسی و بنیادی جور شده است.

خوب این معلومات را بطور معلومات اضافی به شما یاد آوری کردم تا در ذهن تان باشد.

A tense contains two parts:

1. Structure.
2. Usage.

1. Structure:

The formula by which we can form the tenses of a sentence is called structure.

Don't forget that the more you try the more you can get

Never give up and continue.



1. فرمول یا ساختمان:

فرمول یا ساختمان که به اساس آن، جمله یک زمان را درست میتوانیم فرمول زمان گفته میشود.

2. Usage:

The way which shows us where to use a tense and where not to use a tense is called Usage.

2. کاربرد و یا جای استعمال:

راه که به ما نشان میدهد که در کجا یک زمانه را استفاده کنیم و در کجا یک زمانه را استفاده نکنیم به نام کاربرد و یا جای استعمال یاد میشود.

انواع زمانه ها / Kind of tenses

In English we have three (3) categories of tenses they are:

ما در انگلیسی سه (3) طبقه زمانه ها داریم که عبارتند از:

زمان حال / Present tense	زمان گذشته / Past tense	زمان آینده / Future tense
Simple present tense. زمان حال ساده.	Simple past tense. زمان گذشته ساده.	Simple future tense. زمان آینده ساده.
Present Continuous tense. زمان حال جاری.	Past continuous tense. زمان گذشته جاری.	Future continuous tense. زمان آینده جاری.
Present perfect tense. زمان حال کامل.	Past perfect tense. زمان گذشته کامل.	Future perfect tense. زمان آینده کامل.
Present perfect Continuous tense. زمان حال کامل جاری.	Past perfect Continuous tense. زمان گذشته کامل جاری.	Future perfect Continuous tense. زمان آینده کامل جاری.

خوب میفهمم که یاد گرفتن انشاءالله کوشش کنید که از یادتان نرود دوست های عزیز.



1. Simple present tense / زمان حال ساده:

It shows an action which happens every day/week/year.

1. زمان حال ساده:

زمان حال ساده عملی را نشان میدهد کدام که هر روز، هفته و یا هر سال اتفاق می افتد.

Or it shows daily activities, habits and facts.

و یا زمان حال ساده فعالیت های روزمره، عادت ها و حقیقت ها را نشان میدهد.

<i>Daily activities / فعالیت های روزمره</i>	
I go to school every day.	من هر روز به مکتب میروم.
She prefers the breakfast every day.	او (مونث) صبحانه را هر روز آماده میکند.
He drinks water in the morning.	او (مذکر) هر صبح آب می نوشد.
She washes the dishes every day.	او (مونث) ظرف ها را هر روز میشوید.

Habits / عادت ها	
I do exercise early in the morning.	من صبح وختی تمرین میکنم.
He smokes cigarette.	او سیگرت میکشد.
She gets up early in the morning.	او صبح وختی بالا میشود.
I sleep at 9 o'clock at night.	من در ساعت 9 شب میخوابم.



Time expressions / اصطلاحات وخت يا زمان	
Every moment.	هر لحظه.
Every second.	هر ثانيه.
Every hour.	هر ساعت.
Every time.	هر وخت.
Time expressions / اصطلاحات وخت يا زمان	
Every day.	هر روز.
Every night.	هر شب.
Every week.	هر هفته.
Every month.	هر ماه.
Every year.	هر سال.

Facts / حقايق	
Allah is one.	الله (ج) يك است.
The sun rises from the east.	آفتاب از شرق طلوع ميكند.
Death is truth.	مرگ حق است.

خوب دوستان عزيز بيايد كه با ساختمان يا فرمول زمان حال ساده آشنا بسازم تان:

Positive (+) Structure / فرمول مثبت	
For plural / برای جمع	For singular / برای مفرد
Subject + Verb + Complement.	Subject + Verb + s/es + Complement.

Examples	مثال
I ► (Subject) go ► (Verb) to park every day ► (Complement). I go to park every day.	من هر روز به پارک میروم.



1. جملات منفی (Negative sentences)

برای منفی کردن جملات در زبان انگلیسی، معمولا از فعل کمکی (do, does, did, is,) به همراه (not) استفاده میشود.

فرمول / Structure

Subject + Auxiliary verb (do/does/did) + not + Main verb + Object.

فاعل + فعل کمکی + not + فعل اصلی + مفعول.

مثال ها / Examples

- I do not like apples.
من سیب دوست ندارم.
- She does not go to school.
او به مکتب نمی رود.
- They did not watch the movie.
آن ها فلم را ندیدند.
- We are not happy.
ما خوشحال نیستیم.

2. جملات سوالیه (Interrogative Sentences):

برای سوالیه کردن جملات در زبان انگلیسی، فعل کمکی را به ابتدای یعنی به سر جمله می آوریم.

فرمول / Structure

Auxiliary verb (do/does/did) + Subject + Main verb + Object?

فعل کمکی + فاعل + فعل اصلی + مفعول؟



مثال ها / Examples

- Do you like apples?
آیا تو سیب دوست داری؟
- Does she go to school?
آیا او به مکتب می‌رود؟
- Did they watch the movie?
آیا آنها فلم را دیدند.
- Are we happy? آیا ما خوشحال هستیم؟

3. جملات سوالی با کلمات پرسشی (WH- questions) :

برای جملات سوالی با کلمات پرسشی (مانند What, where, when, why) کلمه پرسشی را در ابتدا می‌آوریم.

فرمول / Structure

WH-word + Auxiliary verb + Subject + Main verb + Object?

کلمه پرسشی + فعل کمکی + فاعل + فعل اصلی + مفعول؟

مثال ها / Examples

- What do you like?
تو چی چیزی دوست داری؟
- Where does she go?
او به کجا می‌رود؟
- Why did they leave?
چرا آنها رفتند؟
- When are we leaving?
ما چی وقت می‌رویم؟



خوب دوستان عزیز امید که این بخش گرامر زبان انگلیسی را که بسیار مهم است به خوبی یاد گرفته باشید، انسان با کوشش کردن از هیچ چیز به هر چیز میرسد.

فقط دوستان عزیز شما باید در کنار اینکه درس میخوانید باید به الله متعال که خلاق کل جهان عبادت کنیم، و شما نباید مغرور شوید که من اینقدر درس یاد درام و خود را عالم کل جهان خطاب کنید نه اینکار در شان ما نیست، این خداوند است که درباره هر چیز معلومات دارد و عالم کل جهان است.

شما کوشش خود را کنید علم خود را افزایش دهید فقط یک چند نکته را به یاد بسپارید تا به موفقیت برسید.

عبادت + تعلیم + تواضع + کوشش + صبر و تحمل = موفقیت

خوش آمدین به بخش آخری این چپتر. این بخش شامل ماه های سال میلادی در مقایسه با ماه های سال هجری شمسی است.

ماه های سال میلادی	تلفظ	مقایسه با ماه های سال هجری شمسی
January	جنوری	حمل
February	فبروری	ثور
March	مارچ	جوزا
April	اپریل	سرطان
May	می	اسد
June	جون	سنبله
July	جولای	میزان
August	اگست	عقرب
September	سپتیمبر	قوس
October	اکتبر	جدی
November	نومبر	دلو
December	دیسیمبر	حوت



در اینجا برایتان وسایل آشپزخانه را به زبان انگلیسی بصورت بسیار آسان و عام فهم برای شما واضح ساختم.

Kitchen Utensils or Appliances		
انگلیسی	تلفظ	معنا
Spoon	اسپون	قاشق
Fork	فورک	قاشق پنجه
Knife	نایف	چاقو
Plate	پلیت	بشقاب
Glass	گلس	گیلاس
Cup	کاپ	پیاله
Bowl	بول	کاسه
Pan	پَن	کرایبی یا هرکاره
Pot	پات	دیگ
Kettle	کتل	چاینک
Stove	استوو	بخاری
Oven	اوون	داش یا تنور
Refrigerator(Fridge)	رفریجریتر (فریج)	یخچال
Blender	بلندر	ماشین مخلوط کن
Microwave	مایکرو ویو	داش برقی یا تنور برقی
Dishwasher	دیش واشر	ماشین ظرف شویی
Cutting Board	کاتینگ بُرد	تخت بری یا تخته برای قطع کردن اشیاء
Mixer	میکسر	مخلوط کن برقی
Grater	گریتر	رنده - تراش یا خرد کن
Whisk	ویسک	مخلوط کن دستی



تبریک میگویم شما بالاخره توانستید که بخش سوم آموزشگاه زبان انگلیسی صبغت الله عرفان را موفقانه به اتمام رسانیدید. امید که بنده توانسته باشد سطح آگاهی تان را در زبان انگلیسی به اندازه بلند برده باشد.

هیچ چیزی امکان پذیر نیست ولی ما باید برای ممکن کردنش کوشش خود را کنیم.

هر روز حتی اگر کم باشد، به یادگیری اختصاص دهید. نظم و پشتکار از استعداد مهم تر است. اگر مفهومی را نفهمیدید، از پرسیدن نترسید و همیشه به یاد داشته باشید که هر موفقیت بزرگی با قدم های کوچک شروع شده است.

هدف های بزرگ خود را به مراحل کوچکتر تقسیم کنید و برای هر مرحله تلاش کنید.

موفقیت نتیجه تلاش روزانه است، نه کار های بزرگ و ناگهانی.

در آخر جا دارد که یک تشکری خاص از تمام اعضای خانواده ام داشته باشم بخصوص پدرجان و مادر جانم که مرا تا این حد رساند که امروز به هموطنان خودم خدمت میکنم جای افتخار برای خودم و برای تمام خانواده ام است، و همچنان کاکا هایم که تمام شان مرا در درس هایم خیلی زیاد تشویق کرده و همیشه تشویق میکند از خاطر این لطف شان یک جهان سپاس.

مرا از دعا های خیرتان فراموش نکنید.

ومن الله توفیق

در اینجا یک چند صفحه خالی را برای تمرین کردن تان رها کرده ام تا که از خود سوال بپرسید و جواب اش را نیز در همین صفحه بنویسید.

تا جلسه بعدی من صبغت الله عرفان شما را به الله پاک میسپارم خداوند یار و مددگارتان باشد.





Never forget

Sebghatuallah Irfan
English Academy *If you try*

you can fly

Always keep smile on your lips and continue

هیچ وقت فراموش نکنید

اگر شما کوشش کنید شما میتوانید پرواز کنید

همیشه لبخند پر لب های تان داشته باشید و ادامه بدهید

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**